



خبرم رسید امشب که نگار خواهی آمد
سر من فدای راهی که سوار خواهی آمد

به لبم رسیده جانم، تو بیا که زنده مانم
پس از آن که من نمانم، به چه کار خواهی آمد

غم و قصه فراق بکشد چنان که دانم
اگرم چو بخت روزی به کنار خواهی آمد

منم و دلی و آهی ره تو درون این دل
مرو ایمن اندر این ره که فگار خواهی آمد

همه آهوان صحرا سر خود گرفته بر کف
به امید آن که روزی به شکار خواهی آمد

کشتی که عشق دارد نگذاردت بدینسان
به جنازه گر نیایی، به مزار خواهی آمد

به یک آمدن ربودی، دل و دین و جان خسرو
چه شود اگر بدین سان دو سه بار خواهی آمد



امیر خسرو دهلوی

منتظر اخبار و مطالب شما هستیم
لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایند. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.
iman.zare.1981@gmail.com
کارشناس سرویس ادبی - هنری: ایمان زارع

پیشانی غرورتان را
در محرابش
به خوابگاه شیاطین می‌راند.
هزار مرتبه با خویش گفته بودیم
که از چار خنجر زهر آلودیست
میان کتف زمان؛
و دست زنگی مستی از آستین تان
هر بار
فرود آمد.

هزار مار از اعضای تان
به ناز کای گلویی نیش می‌زند
که روی شانه و پستان تان
به نغمه‌های شادی تان
لرزیده است.

مگر که بودید
که صبر عالم
بخشایش گناهان را تعهد کرده باشد؟
مگر که عشق می‌بخشاید؟
مگر که بخشایش آرام تان می‌کند؟
چگونه آرام می‌باید
که چاه ذهن تان را
در راه کودکان تان
پوشیده‌اید؟

هنوز اول این ماجراست
ستیزه‌هایی کاغذ شده ست
درون دوزخ نیز
رهای شان نتواند کرد....

محمد مختاری

ستیزه وقتی آغاز شد
که در نگاهتان چشمان مارهائی را
باز یافتیم
که نبض ساده بیم و امیدمان را
به حلقه حلقه رؤیای سبز تان
می‌پیوست.

چقدر آسان ویران می‌شدیم
چقدر آسان ویران می‌شدیم
و گنج پنهانی هرگز نبود
به زیر چنبره وحشت و ریایی
که روی ویرانی‌ها خفته بود.
بقای تان نگران کدام حادثه بود؟
گیاه از آوندهای خود
به جز تداوم سزینه
چه انتظاری دارد؟
صدای تان به کدام اضطراب عالم می‌پیوست
که نسلی از بی نسلی زوالمان را
می‌آموختید؟

گلوی تان
به دوام صدای سهره‌ای نیز یاری نکرد
و گر که عشق می‌دانست
چگونه سیمایش را در نوازش اطفال
منتخسف می‌کردید؟
به دست صاعقه



گیرم که به هر حال مرا برده‌ای از یاد
گیرم که زمان خاطره‌ها را به فنا داد

گیرم نه تو گفتی... نه شنیدی... نه تو بودی...
آن عاشق دیوانه که صد نامه فرستاد

تقویم دروغ است! تو اصلاً ننوشتی:
میلاذ عزیز دل من: پنجم مرداد!

با آن همه دل‌بستگی و عشق چه کردی؟!
یک بار دلت یاد من خسته نیفتاد؟!

یعنی به همین راحتی از عشق گذشتی؟!
یک ذره دلت تنگ نشد خانه‌ات آباد؟!

این بود جواب من دل خسته عاشق؟
شیرین رقیبان شده‌ای از لچ فرهاد؟!

باشد، گله‌ای نیست!... خدا پشت و پناهت
احوال خودت خوب... دمت گرم... دلت شاد

محمد رضا نظری
(لادون پرند)

آنقدر گفت به ما جای محبت از جنگ
قلب هامان همه ماهیت سنگی دارد

کاشکی بر سر ما دست نوازش نکشی
شیخ! پیداست حنای تو چه رنگی دارد

ایرج انصاری فرد

مرکز شهر اگر منزل شاهانه اوست
چندتا خانه در اطراف، کلنگی دارد

آنقدر بار زده صیغه و عقد از هر قوم
چند سر عائله چون جوجه رنگی دارد

خانه‌اش سنگر امنی است ولی در هر حال
کمرو بسته به آرایش جنگی دارد

هر که با قافله او سر و کارش افتاد
روی پیشانی‌اش انگار که ننگی دارد

پشت لبخند ملیحش سر جنگی دارد
او که گاهی قلمش حکم تفتگی دارد

موقع آمدنش نیز نفهمید کسی
با همه سادگی‌اش قصد زرتگی! دارد

ماهر و نیست ولی سحر کلامش بسیار
سر هر صخره رد خون پلنگی دارد

تا که تبدیل کند دوزخمان را به بهشت
لشکری دور و برش پیر مفتحی دارد

گردشگری

خانه رسولیان یزد، یکی از زیباترین دانشگاه‌های ایران



در این مقاله قصد داریم تا یکی از زیباترین خانه‌های تاریخی شهر یزد به اسم «خانه رسولیان» را به شما معرفی کنیم. این خانه یکی از زیباترین خانه‌های تاریخی یزد است که می‌توان خانه رسولیان را یکی از زیباترین دانشگاه‌های ایران هم دانست. خانه رسولیان به همت مرحوم حاج میرزا کاظم رسولیان و بدست استاد اندرونی و بیرونی تشکیل شده است. قسمت بیرونی خانه شامل حوضخانه، تالار، زیرزمین، بادگیر و اتاق ارسی می‌شود. از اتاق‌های سه دری، پنج دری، بادگیر، تالار، کلاه فرنگی، ارسی و حیاط مشجر تشکیل شده است. این اثر در تاریخ ۱۵ دی ماه ۱۳۷۵ به عنوان یکی از اثرهای ملی ایران به ثبت رسیده است. در قسمت اندرونی خانه هم حیاطی داشت، ولی در سال ۱۳۶۸ بصورت وقف در اختیار دانشگاه یزد قرار گرفت و بعد از این که بازسازی خانه محسوب می‌شود، حوضی وسیع در وسط خود دارد و با بهیختی از دانشکده معماری و درختان اطرافش زیبایی خاصی به خود گرفته است.

کاخ سروستان از باشکوه‌ترین کاخ‌های برجای مانده از دوره ساسانیان



همچنین روش، استفاده از ستون‌ها را به عنوان محافظ سقف در اتاق‌ها دیده می‌شود. همچنین تپه‌ها و ناهمواری‌های زمین‌های مجاور نشانگر آبنه‌ای است که در نزدیکی کاخ بنیاد بوده است. روی هم رفته نقشه کاخ سروستان روش بسیار بدیع و جالب معماری عهد ساسانی را به نمایش می‌گذارد. بعضی از پژوهشگران معماری ساسانی، با توجه به روش پیشرفته‌تر در طراحی کلی و جزئیات بنا آن را متناسب به اواخر زمان ساسانی می‌دانند و معتقد هستند که ساخت این بنا یکی از اولین قدم‌ها در جهت سبک ساختمانی ویژه‌ای بود که معماری گوتیک را می‌توان تحقق نهایی آن دانست. مصالح بکار رفته در کاخ ساسانی سروستان از سنگ و گچ است. کاخ سروستان دارای ایوانی مربع شکل است که ۱۳ متر طول و عرض و ۱۸ متر ارتفاع دارد. کاخ سروستان مشابهت بسیاری به کاخ اردشیر در فیروزآباد دارد. این کاخ کوچکتر از کاخ فیروزآباد است و طاق‌های آن با آجر زده شده‌اند. کاخ سروستان از نظر ابعاد و مساحت یک‌چهارم کاخ فیروزآباد است و به نظر می‌رسد تنها یک تالار پذیرایی بوده است. مشکلات کاخ ساسان سروستان این بنا که یکی از باشکوه‌ترین بناهای تاریخی در استان فارس است از داشتن حداقل امکانات برای حضور گردشگر محروم است. در این بنا تابلویی که آن را به گردشگر معرفی کند وجود ندارد و

مجموعه کاخ ساسانی سروستان در استان فارس و در ۹ کیلومتری جنوب شهر سروستان در شهرستان سروستان و محله تزنگ قرار داشته است. این کاخ در زمان بهرام گور ساسانی ساخته شده که به وسیله مهر نرسی وزیر مشهور وی که صدرات یزدگرد اول و یزدگرد دوم را هم عهده‌دار بوده ساخته شده است. کاخ سروستان که قدیمی‌ترین گنبد آجری کشور محسوب می‌شود در زمان بهرام گور ساسانی ساخته شده است. آخرین بررسی‌های باستان‌شناسی در مجموعه کاخ سروستان نشان می‌دهد که این مجموعه ساسان در دوره اوج شکوه خود حدود ۳۰ هکتار وسعت داشته است. کاخ سروستان در استان فارس و در نه کیلومتری جنوب شهر سروستان و در مسیر روستای نظرآباد در دشتی وسیع جای گرفته است.

زمان ساخت کاخ سروستان

بعضی از محققان معماری ساسانی، با توجه به تکنیک پیشرفته‌تر در طراحی کلی و جزئیات بنا آن را مربوط به اواخر دوران ساسانی می‌دانند و معتقد هستند که ساخت این بنا یکی از اولین قدم‌ها در جهت سبک ساختمانی ویژه‌ای بود که معماری گوتیک را می‌توان تحقق نهایی آن دانست. در منابع تاریخی - جغرافیایی اطلاعاتی در باب

